

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ

علامه حبیبی ص ۲

دخوشحال په شهرکي د اورنگ زيب څيره

مخ ۳

Ketabton.com

سال هشتم، دور چهارم، شماره پيهم هشتاد و هفتم

اول اگست ۲۰۰۹ ميلادی

عليه تروريزم، از امريکا باج ميگيرد

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ، علامه حبیبی

نار احمد صد



۱۲- تاریخ مختصر افغانستان (جلد های اول و دوم ۱۳۵۶ دری)

۱۳- افغانستان بعد از اسلام ۱۳۵۷ در تهران نیز چاپ شده است - دری

۱۴- مشاهیر اندالیان (دری)

۱۵- مورخان گمنام افغان (دری)

۱۶- جنبش مشروطیت در افغانستان (اثر واپسین علامه حبیبی ۱۳۶۳ دری

علامه حبیبی که دانشمند کثیرالابعدی، یعنی ادیب، تاریخ نویس، شاعر، نویسنده،

ژورنالیست، زبان شناس، متعارف جغرافیه باستانی و راد مردان نامی آن بود، همواره با فرهنگ کشور عشق سرشاری داشت. در اثر

کاوشها، پژوهشها و زحمات فراوان شباروزی خود صدها نکته ناگفته، مبهم و تاریک را در تاریخ و فرهنگ کشور روشن نمود و کارنامه هایی درین بخش دانش از خود باقی گذاشت که نامش و یادش را در پرا

زنده و جاوید نگه خواهد داشت. پوهاند حبیبی همیشه در سیمبیارهای علمی بسوی

ملی و ملی اشتراک فعال و همواره در جنب محافلی افتخار صدرستی را بر عهده میداشت.

علامه حبیبی جسماً از جهان رفت لیک یاد و نام او ابداً در قلوب دانش پژوهان افغان و غیر افغان جاویدانه خواهد ماند، در عربی یک مقوله است که گوید: موت العالم موت العالم یعنی وفات یک دانشمند، وفات عالم است.

علامه حبیبی از پژوهندگان صاحب نظر و کاوشگران ژرفنگر و آموزگار بس صمیمی بود که برای دست یافتن به حقایق تاریخی و رمز فرهنگی با سبرومندی و فرزانیگی ایکه داشت همه گونه تلاش عالمانه را بکار می بست، از پیرو آثار تدوین کرده و تصحیح شد این فریخته پرمایه در کلبه سیاد های علمی کشور، منطقه و جهان بحث مراجع با اعتبار و مستدل قبول شده و پژوهشگران حلقه های تحقیقی زبان، فرهنگ و تاریخ از این داشته ها سود می برند و مستفید می شوند.

علامه حبیبی در دوران زندگی علمی و فرهنگی اش تقریباً برای مدت شصت سال بیش از یکصد و سی و دو کتاب و رساله نشت و نیز متون قدیم پشو و دری را به شیوه های امروزی پژوهش تهیه، ترتیب و تحقیق نموده، در حدود هشتصد نشته کوتاه ولی خیلی ها پر ارزش را بسیادگار گذاشته که بگونه مقالات در نشریه های موقت کشور و منطقه منتشر شده است. البته آثار نشر نشده زیادی نیز از استاد باقی مانده است که دستویس ها و مسودات آن در گنجینه پر بهای آثارش نگهداری میشود. ■

۱۸- تصحیح، تحشیه و مقابله مختصر وافی بقواعد قوافی ۱۳۶۳ ش، (دری).

علامه حبیبی همچنان در تراجم برخی آثار قدیم و ارزشمند نیز کمر همت بسته و مصدر خدمات شایانی برای حلقه های دانش و پیش ماورای خود گردیده، از آنجمله هست.

۱- سبجاره گان سرگردانده سنیوایان اثر نویسنده شهر فرانسوی ویکتور هوگو، بزبان پشتو (که بعد از ۱۳۱۰ ش بطور مسلسل در حریده طلوع افغان بجاب رسیده است.

۲- د البیرونی کتاب شهود اثر احمد سعید خان که از انگلیسی به پشتو برگردانده شده، ۱۳۵۲ ش. البته در تصحیح و اکمال کتاب نیز بوجه احسن اصلاحات لازمی ضم گردیده است.

۳- چهار مقاله بر فردوسی و شاهنامه اثر پروفیسور محمود خان شیرانی که از اردو بزبان فارسی برگردانده شده است (۱۳۵۵ ش). در این ترجمه تحشیه و تفاسیل پوهاند حبیبی بر اهمیت و کیفیت کتاب بیش از پیش افزوده است.

۴- زندگینام بوعلی سینا که اثر شاگرد شیخ الریس ابوعلی سینای بلخی (ابو سعید جوزجانی) بوده، پوهاند حبیبی از عربی طور انتقادی به فارسی برگردانده و بعلاوه ترجمه آن تحشیه، تعلیقات و مقدمه نهایت آموزنده ایشان به کتاب ارح فراوان میگذازد (۱۳۵۹ ش).

علامه حبیبی تألفات و آثار بس نافع و در حور اعتایی را که همواره جامع، پر محتوی و خیلی ها ارزشمند بوده به مردم کشور، منطقه و حتی حلقه های علمی و فرهنگی گیتی تقدیم داشته است. برخی از این میراث فرهنگی استاد حبیبی مختصراً چنین بر شمرده میشود:

۱- پیغام شهید (مثنوی دری بوده و در سال ۱۳۱۴ ش چاپ شده است.

۲- غزله (مثنوی دری، سال چاپ ۱۳۱۵ ش).

۳- پسرلی سدری (اثر منظوم به پشتو ۱۳۱۷.

۴- پینتانه شعراً (در دو جلد بزبان پشتو که جلد اول آن در ۱۳۲۰ بجاب رسیده است.

۵- د پشتو ادبیاتو تاریخ (جلد اول: ۱۳۲۵، با اضافات، چاپ دوم در ۱۳۵۴ پشتو.

۶- د پشتو ادبیاتو تاریخ (جلد دوم در سال ۱۳۲۹ از طریق شماره های مسلسل مجله کابل چاپ و بصورت کتاب در ۱۳۳۸ ش و چاپ دوم با اضافات در ۱۳۴۲ مجدداً چاپ گردید پشتو.

۷- تاریخ افغانستان در عصر گورگانی هند (۱۳۴۱ دری).

۸- مثنوی دری ۱۳۴۶ مجموعه نوت های درسی برای صنف سوم پوهنخی ادبیات.

۹- تصوف ۱۳۴۶ مجموعه نوت های تدریسی برای محصلین پوهنخی ادبیات دری.

۱۰- د پینتو ادب تاریخ ۱۳۴۷ مجموعه نوت های درسی برای صنف سوم پوهنخی ادبیات.

۱۱- د پینتو ادب لند تاریخ ۱۳۴۷ مجموعه نوت های درسی برای صنف چهارم پوهنخی ادبیات.

باستان را حایز بود که این امر منجر به تنوع و تعدد مدارک و مأخذها در هر نوشته وی میگردد و بدون تردید بر نفع بودن، مستند بودن و معتبر بودن هر اثر پوهاند حبیبی اهمیت شایانی گذاشته است.

شمار یاد داشت ها و تعلق ها و حواشی و تصحیحات و تراجم و مقالات پوهاند حبیبی زیاد بوده البته در میان کارهای تحقیقی و سعی شادروان حبیبی تصحیح و تحشیه و تعلق و مقابل جند من معتبر کلاسیک و نایاب از همه بر حسته تر و مشخصتر اند که نام برخی از آنها بدین قرار میباشد.

۱- تصحیح و مقابله دیوان خوشحال ختک، ۱۳۱۷ ش در کندهار (پشتو).

۲- تصحیح و تحشیه دیوان عبدالقادر ختک، ۱۳۱۷ ش، کندهار (پشتو).

۳- تصحیح، تحشیه و مقابله دیوان لوی احمد شاه بابا، ۱۳۱۹ ش (پشتو).

۴- تصحیح و تحشیه و تعلق و ترجمه پته خزانه که بارها مورد مباحثه و ارزشیابی حاسدین و بد خواهان فرار گرفته و استاد با درایت، حوصله مندی و سربلندی محض از همه آن مؤفق بدر آمده.

(۱۳۲۲ ش) و در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ بعد تر نیز تجدید چاپ شده است.

[دری] این وثیق نادر بعداً به زبانهای روسی، انگلیسی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

۵- تصحیح، تحشیه و مقابله طقات ناصری (جلد اول در ۱۳۲۸ در کویته و جلد دوم در ۱۳۳۳ در لاهور چاپ شده و نیز بار دوم با زوایدی، جلد اول در سال ۱۳۴۲ و جلد دوم آن در ۱۳۴۳ در کابل بجاب رسیده است) (دری).

۶- تصحیح و تحشیه و مقابله تازه نوای معارک، ۱۳۳۹ ش، چپ کراچی (دری).

۷- تصحیح و تحشیه و مقابله طبقات الصوفیه ۱۳۴۲ ش [دری] و نیز به اهتمام حسین آهی در ۱۳۶۲ ش بار دوم در تهران بجاب رسیده است.

۸- تصحیح و تحشیه و تعلق و مقابله زین الاخبار ۱۳۴۷ ش، تهران (دری).

۹- تصحیح و تحشیه و تعلق فضایل سلخ ۱۳۴۸ ش، در تهران (دری).

۱۰- تصحیح، تحشیه و مقدمه صد میدان ۱۳۴۱ ش، (دری).

۱۱- تصحیح، تحشیه و مقدمه سررشته طریقه خواجگان ۱۳۴۳ ش، (دری).

۱۲- تصحیح، تحشیه و تعلق السواد الاعظم ۱۳۴۸ ش، در تهران.

۱۳- تحشیه و مقدمه شرح سبتین مثنوی ۱۳۵۱ ش، (دری).

۱۴- تحشیه و مقابله حدیقه الحقیقه ۱۳۵۶ ش، (دری).

۱۵- تحشیه و مقابله سواتنامه ش، (پشتو).

۱۶- تحشیه، تعلق و مقدمه روضه الفریقین ۱۳۵۸ ش، در تهران (دری).

۱۷- تحشیه و تعلق تذکرت الاولیا ۱۳۶۱ ش، (پشتو).

البته این اثر ارزشمند توسط علامه حبیبی در ۱۳۱۹ ش و بعد در ۱۳۲۰ با ترتیب در سالنامه کابل و در پینتانه شعراً بجاب رسیده بود.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چمن پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤل مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش

بحث استاد دیپارمنت پشتو و دری در پوهنخی ادبیات پوهتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارمنت پشتوی این پوهنخی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مریضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

نکات چند در مورد فعالیت ها و پژوهش های فرهنگی و ادبی علامه حبیبی:

پوهاند عبدالحی حبیبی رادمرد بزرگ دانش و ادب همواره بنابه ستاره روشنگر راه فرهنگ و ادب، مقام شامخ خود را در کشور حفظ نموده است.

عبارت دیگر استاد حبیبی یکی از ارکان استوار علم و فرهنگ و از مفاخر بزرگ و نامی این سرزمین در روزگار ما بود؛ چه مقام رفیع این بزرگمرد نه تنها در حلقه های علمی کشور ما بلکه در سرتاسر جهان شناخته شده و هم بر آن ارج میگذازند و به اهمیت آن معترف اند.

استاد حبیبی نستوه مرد پژوهش و جوش بود، تمامی حیات خود را در راه احیای تاریخ و ادب کشور و زنده گردانیدن نامهای مفاخر وطن در جستجوهای پیگیر و بسی توقف گذرانید. این پوشها و جوشها شمار قابل توجهی از کتب و رسالات و مقالات اند که از وی بر جای مانده و صدها نکته ناگفته و ناشنیده را در باره تاریخ و ادب این سرزمین میتوان از لابلای این بازمانده ها و یاد داشت هایدست آورد.

ابجادیات مرحوم علامه حبیبی بیشتر در زمینه های تاریخ، ادبیات، زبانشناسی، جغرافیه و شناسایی نام آوران این مرز و بوم است که عمدتاً بزبانهای دری و پشتو و ندرتابه زبانهای اردو و عربی تحریر یافته اند.

استاد حبیبی بعلاوه زبانهای پشتو و دری، تسلط کامل بر زبانهای اردو، عربی و انگلیسی، سانسکریت و احتمالاً یونانی

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکر یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال ستیزه جو بسایب عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صنف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گرنش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منبیت مدیر مؤل همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حبیبی در این مدت، مصدر خدمات سترگ ادبی و پژوهشی گردیده است. در این زمان تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت، اداره و نظارت بر استادان آن رسماً بعهد استاد حبیبی بود؛ بخاطر بکه مدیران مؤل روزنامه ها در ولایات در عین زمان مدیران مطبوعات نیز بودند و اداره کورسهای پشتو یکی از وظایف عمده ایشان محسوب میگردد در جریان همین فعالیت های خلاقانه استاد حبیبی بود که اداره طلوع افغان، آثار مهم تدریسی بزبان پشتو را چاپ نمود مانند:

سپینخلی پینتو (قاموس فارسی- پشتو حاوی ده هزار لغت، با همکاری لعل محمد کاکر، ۱۳۱۸ ش).

پوهاند حبیبی از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ مقام ریاست پشتو توله و معاونیت ریاست مستقل مطبوعات را عهده دار بود.

علامه حبیبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحث مشاور وزارت معارف نیز ایفای وظیفه نمود. باید گفت که تا به ۱۳۲۳ در کشور عزیز مان صرف پوهنخی های طب و حقوق موجود بود که در تشکیل وزارت معارف بودند، ولی در سال ۱۳۲۳ پوهنخی ادبیات نیز در کنار آن تأسیس یافت که استاد حبیبی بحث نخستین رییس این پوهنخی امور تدریسی و اداری آن را عهده دار شد.

باید یاد آور شد که در بنیانگذاری و ایجاد پوهنخی ادبیات و علوم بشری، پوهاند حبیبی نقش بسزایی داشت؛ از این مدت تا ۱۳۲۵ پوهاند حبیبی بحث رییس پوهنخی جدیدالتأسیس ادبیات، رییس پشتو توله و نیز منبیت استاد تاریخ این پوهنخی ایفای وظیفه نموده است.

پوهاند حبیبی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ بحث رییس معارف ولایت کندهار تقرر یافت که در خلال همین مدت امورات اداری و تدریسی تمام مکاتب آن ولایت و نیز افتخار استادی مضمون تاریخ لیه های همان شهر را

دخوشحال په شرکي د اورنگ زيب څيره

د هندي گورگانسانو په پاچهانو کي اورنگ زيب يو مستبد، محيل، متعصب او بي تقوا حکمران تير شوي دي دخپلي پاچهي په ډيره اوږده دوره کي يعني نژدي پنځوس کاله کي بي د هندوستان ټول اولسونه په کم اورا وستل نوڅکه دا دوره توره تياره توصيف شوي ده او د اورنگ زيب په دم کي د هندوستان د هغه وخت معروفو او ولسي شاعرانو ډيره څه ويلي دي.

د دغي جملې څخه د سنگال يو شاعر موکاندرام جکرورتي د مغولي دربار د استبداد پر ضد په خپل يوه شعر کي وايي:

زموږ سپين سبا ددوي له ظلم څخه په نور ماينام بدل شويدې خو ژر به داوښکو بارانونه په يوه هوشاک توفان بدل شي او ددوي پيري پکښي غرقه شي.

د اورنگ زيب په امپراطوري کي خوشحال خان خټک بل هغه يوازني شاعر دي چي په خپلو اشعارو کي يي د اورنگ زيب انځور ډير روښانه ايستلي او د هغه څخه يي د يوه لوي اولس په نماينده کي خپل نفرت څرگند کړي دي.

د اورنگ زيب د شاجهان دريم زوي و چي د يوي ژوري توطي په عملي کولو يي پلار له تخته وغورځاوه، زندان ته يي واستاوه د سرورور د ارانکو سره يي پکښي بل ډير ژور نفرت د خپل سر د خچو او خچو

د استبداد او خپله ورک شوځيني وايي چي د ارکان په غرو کي يي زمريانو کي ده ورځيري کړه، کشرورور مراد بخش يي لومړي بندي بيا په زندان کي وواژه، او بالاخره يي اوه کاله پلار په زندان کي وساته خو چي د مرگ غي ډي ته وسپاره.

دغه لويه فاجعه چي په جريان کي وه زمونږ ستر او جنگيالي شاعر د هغي صحنې د سر په سترگو ليدلي او ده پخپله دوه نيم کاله د دغه مستبد او هولناک امپراطور د دهلي او جيبور درنته پور په زندان کي تير کړي وه، خو کله چي ازاد شونو د پښتو

نخوا غرو ته په رارسيدو يي د مستبد دربار پر ضد قيامونه پيل کړل او داسي جگړي يي ورسره وکړي په يوه جگړه کي يي په زرگونه پيلان، اسان او ډير سره او سپين زر په ولجه يووړل، په زرگونه پادشاهي سپاهيان يي بنديان او داميرانو د کورني

بڼخي يي غرو ته وځيړولي. خوشحال خان د اورنگ زيب محبيلانه شخصيت داسي انځوروي:

ددې دور شيخان ډير دي لور په لور اورنگ زيب بادشاه دوارو دي انځور په هغه چاره قلم ساز کاقران کښي په هغه چاره شارک پري کا دورور ددغه حيله گر بادشاه په دور کي دده دفتو له لاسه ټولنه هم له يوه مخه دريا کاري په توفان کي لاهو شوه او خوشحال خان هغه داسي انځوروي:

وقت د اورنگ شاه دي دهرچا تسبيح په لاس دي خداي ځيني خبر دي په اخلاص که په لباس دي نازمي او اضطرابات د استبداد څخه رازيري او خوشحال خان د دغي ټولني انځور داسي ترسيموي:

د اورنگ بادشاه په دور ارام نشته چاويل چي جهان ځاي دارامگاه دي په همدغه وخت کي د هند په جنوب او ختيځو برخو کي دانگليس دځيني کمپني او پرتگال ترمنځ د استعمار په جال کي د هند د را کښتلو رقابتونه اوسيايي رواني وي او دربار ډير ډيو په وخت کي و، ددي په اړخ کي فرانسوي استعمار طلبانو د اورنگ زيب تر درباره لاسونه غزولي وه او د دربار با نفوذه شخصيتونو يي په سوغاتونو او رشوتونو را نيول.

خوشحال خان د اصحنه په يوه بيت کي داسي انځوروي:

په دوران ددي بادشاه هوشيار هغه دي چي وطن کابه فرنگ په پرتگال اورنگ زيب لکه يوه بلاد داسي نازل شوي و او دخپل استبداد د جال خپرولو په وړاندي هر څه له منځه وړل خوشحال خان وايي:

څه يوازي په مانه ده که ژوندي وي اورنگ شاه به داسي ډير کاندي پايمال چي په پلار باندي يي نه ده صرفه کړي به نور چايي څخه څه يي اشکال خوشحال خان او ملگرو يي د اورنگ زيب پر ضد پخپله د شپږو ډيرو لويو جگړو قومانداني پر عهده درلوده چي دهغو يادونه داسي کوي:

اول جنگ د لوري شاد تهتري وه چي څلويښت زره مغل شوي تاريخه تاريخه خوښي لوري يي په بند د پښتنو شوي اس او بنان هاتيان الجبه قطار قطار دوهم جنگ پر حسيي په دوايه کي چي يي وټکيده سر لکه دمار

بيا له پسه دنوشهر دکوټ جنگ وه چي مي وکښ تر مغلو خپل خار وکښ درصورتی که چين جوی بسوجو نيايد و

بيا له پسه جسوت سينگ شجاعت خان و چې ايمل يي په گنډاب ويوست دمار شپږم جنگ مکرم خان شمشير خان دواړه چي ايمل کړل په خاپښ کي تاريخه تاريخه چي څمايه ياد وي لوي جنگونه دادي دهلکويه هر لوري نشته شمار هميشه فتح ونصرت دي لاتراوسه پس له داده بياتکيه به گردگار اورنگ زيب راته يو کال وشو چي پروت دي به صورت حيران پریشان په زړه افکار اورنگ زيب دريا کاري يوه مجسمه وه، خپل استبداد ته يي د اسلام رنگ ورکاوه ولي په حقيقت کي هغه د مختلفو فرقو ترمنځ تفرقه اچوله او په ما کيا ولسي طريقه يي دخپل استبداد عمر او ساحه پراخوله. دده په وړاندي په هندوستان کي سيکانو، مراتيانو، بنگاليانو او نورو سرونه راپورته کړل، خوده سخت وټکول، ولي دخوشحال خان او پښتنو څخه ډير سخت نفرت کاوه لکه خوشحال خان چي وايي:

چي په نام پښتون غورځيري پري خوشيږي اورنگ زيب هسي بادشاه دي د اسلام اورنگ زيب کلونه ټلونه د پښتنو سره په تاوده ډگر کي ککره جنگوله خوا بري يي په نصيب نشو په پاي کي يي د پښتنو دکمزوري رگ پيدا کړ او پيسي يي ورته وړاندي کړي او پدي توگه يي ددوي ملاورماته کړه خوشحال خان وايي:

خزاني د هندوستان راخوري شوي سره مهراڼ دي ننوري په کوهسار د حيرانتيا ځاي خود ادي چي د اورنگ زيب روږد خوشحال خان زوي بهرام خان هم له لاري ويوست او د پلار پر ضد يي راولاړ کړ خوشحال خان د دغه منحرف اوبې غيرته زوي په باب وايي:

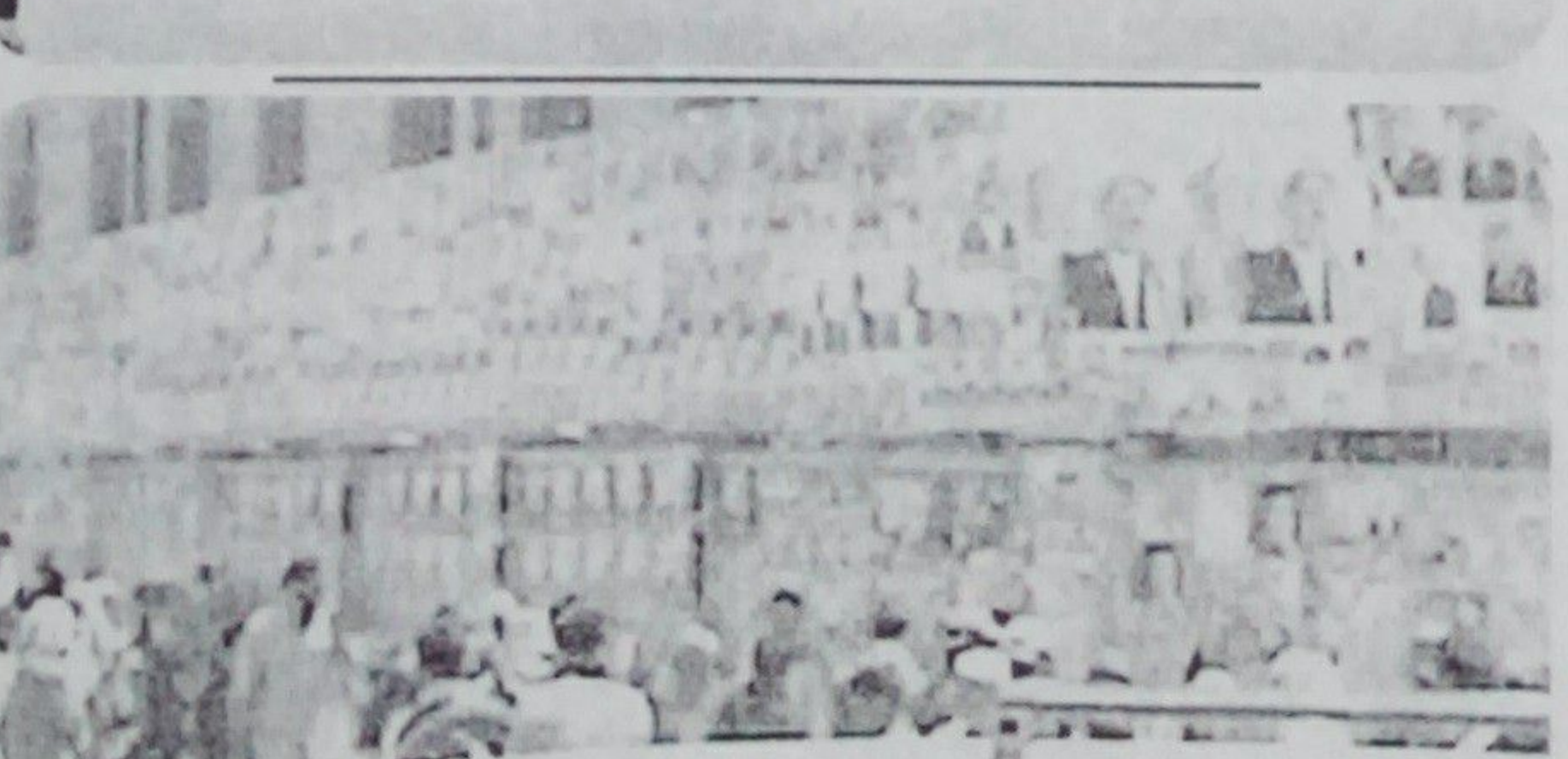
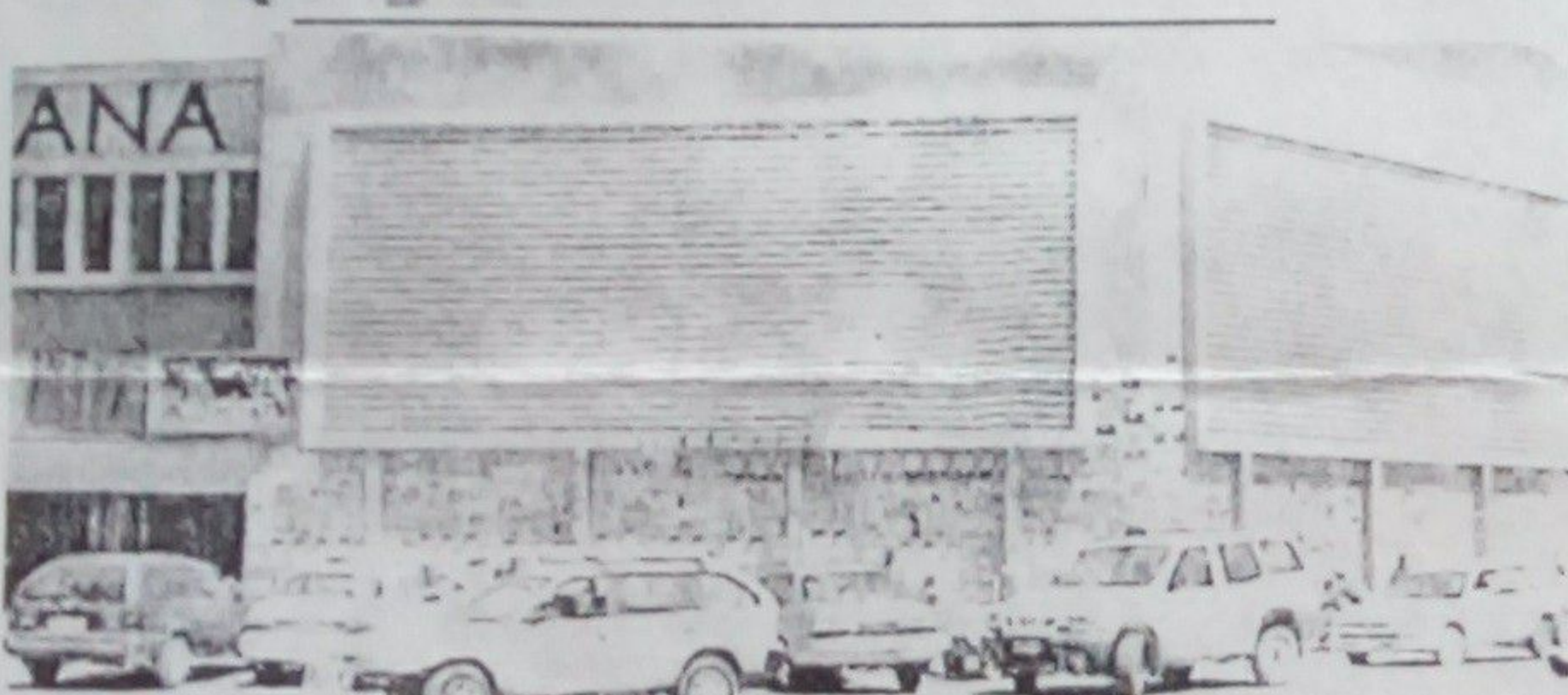
څوک بهرام غوندي منحوس بد بخت بخيل شي په شامت يي خپل خانه شي تاريخه تاريخه منافق ليم مردود د زمانې شي په خپل پلار سره اغز کاندي کارزار بهرام خان چي په ملاپوري د اورنگ زيب طلاوي ترلي وي دخل پلار پر ضد قيام پيل کړ، خو خوشحال خان يي په جگړه کي مات کړ او هغه دتوري او قلم پلار ددغه نا اهله زوي له لاسه نروته وخوت او هلته په ۱۶۸۹ کال مړ شو.

خوشحال خان او اورنگ زيب نن نشته خو ددوي دواړو ځيري تاريخه تاريخه پر پانوسو کي ترسيم شوي دي چي د انصاف په تله پريوه بايد رحمت او پر بلا نفرت وويل شي ځکه پوه اولسونه په ريا کړي تر استبداد لاندې ساتل او بل د هغه استبداد پر ضد توره را پورته کړي وه. ■

پورته کړي وه. ■

هنکامه انتخابات، در و دیوار های برکنار مانده

از انبوه کثافات شهر کابل را نیز آلوده نموده است.



گرفته و مردم مان را به سناهه دین اردانش و علم محروم مینماید ولی در چند کیلومتری خانه اش در پاکستان از وجود روسی خانه ها و دب گری ها (لواطخانه ها) که برسان در آن کار مینماید، شراب فروشی ها، نمایش قلمهای سکس در سینما های پاکستان و فساد هنرمندان زن و مرد پاکستانی در لالیود ویا شهرک سینمایی پاکستان، خیر نمیشوند؛ که چگونه نیز دختران سینمای پاکستان برای رقص به لندن و فرانسه میروند. و به نماینده گی از کشورشان میرقصند. ولی همین طالب هزاران کیلومتر دورتر به افغانستان برای اسلام خواهی می آید، در کشوری که در زمان حضور روسها نیز کسی جرئت نداشت علی شراب فروخته، فساد خانه درست نماید. تلویزیون دولتی در آلمان با تمام قوای روسی، آرمان ترویج فساد اخلاقی

روابط با پاکستان

مصطفی عمری

پاکستانی ها نیز میلی به آن دارند پس چرا افغانستان را با ثبات آن از دست بدهند رای اینکار در کنار کالا های تجاری، طالب، القانده وجران های خود را نیز صادر میکنند، چیزی که اگر افغانستان با ثبات شود و جلو آن گرفته شود، پاکستان را منحصر خواهد کرد. برای دور نمودن ذهنیت های سایر اقوام محروم پاکستان از مشکلات داخلی آنان، باید سر آنان را در جاهای دیگری گرم کرد.

ببینید یک طالب پاکستانی برای مبارزه با کفر و بدعت هزاران کیلومتر دور تر از وطنش به افغانستان آمده و با همدستی طالبان افغانی خود آموزش با توان و دختران را

پاکستان که برای من تنها از مدرک پشتونها و بلوچها قبایل درک مینماید به یکی از بدترین چالش های آبادانی، اقتصادی و امنیتی مان مبدل شده است. حکومت داران ما همیشه اذعان میدارند که ثبات در افغانستان به نفع پاکستان است ولی هرگز در بی دلیل منطقی این صحبت های خود تیر آمده اند. پاکستان هرگز به ثبات افغانستان علاقه نداشته و اگر هم چیزی بیان کرده، تبلیغاتی بوده است.

ثبات افغانستان برای پاکستان حکم زهر را دارد. بسیاری فکر میکنند که بازار های افغانستان و یا منابع طبیعی آن در صورت آرامش، پاکستان را کمک میکند تا وضعیت خود را بهتر بسازد. تجربه عملاً ثابت ساخته، پاکستان در کنار استفاده از این عنصر ها، بیشتر از بحران در افغانستان استفاده میکند. پاکستان بسیار به

پاکستان به بهانه مبارزه علیه تروریزم...



سخاظر افغانستان تربیه و آموزش نموده احساس خطر نداشته و خواهان مذاکره است، اما با آنکه در صددیت با حکومت پاکستان قرار دارد، میخواهد مبارزه کند. وحید مزده کارشناس سیاسی افغان، تاکید آی

اس آی را بر مذاکره با طالبان از زاویه دیگر نگریسته بر علاوه که آزایی اساس میداند میگوید، بدون شک هلمند در نزدیکی بلوچستان قرار دارد و سالهای قبل، افغانها و مجاهدین به بلوچستان رفت و آمد داشتند و

کمپ های مهاجرین در آنجا بود، اما این به آن منتهی نیست، که با آغاز عملیات در هلمند، طالبان به بلوچستان میروند. مزده میگوید، قبلاً از عملیات هلمند و حتی از سالها قبل مشکل میان بلوچها و حکومت

آی اس آی طالبان را خطر بزرگ ندانسته و گفته است، که پاکستان قصد مبارزه با آنکه از طالبان را دارد، که از آنها برای پاکستان خطر احساس میکند و در مقابل طالبانی که برای افغانستان و هند مشکل ایجاد میکنند، بی تفاوت است.

نور الحق علومی، کارشناس مسایل نظامی در رابطه به این موضوع به آژانس ساختر گفته، تاکید آی اس آی بر مذاکره با طالبان میرساند، که آن اداره ایجاد گر، تسلیح کننده و سوق دهنده طالبان است. علومی میگوید، چنین تاکیدات استخبارات پاکستان نباید دور از توقع باشد، زیرا آی اس آی در موجودیت طالبان مفاد خود و حکومت پاکستان را می یابد. چنانکه تا کنون تحت نام مبارزه علیه همین گروه میلیونها دالر و وسایل نظامی را حاصل کرده و میکوشد، که این پروسه تا در از مدت ادامه یابد.

علومی اظهار داشت که احساس خطر استخبارات پاکستان از عملیات هلمند بی مورد و دور از حقیقت است، زیرا این عملیات برای سرکوبی طالبان نه، بلکه بخاطر فرصت دهی برای طالبان است، تا آنها بتوانند به سمت شمال افغانستان بروند، چنانکه در روزهای اخیر شاهد حوادث در آن مناطق بودیم.

نور الحق علومی با تائید نظریات مسوولین اداره او با اظهار میدارد که پاکستان از طرف آنکه حاکم آن است، که خاص آنها را

پاکستان موجود بود و بلوچها تاکید بر استفاده از نفت و گاز بلوچستان، در بلوچستان دارند، نه در پنجاب و سایر نقاط آن کشور. وی گفت، قبلاً پاکستان به امریکا تعهد سپرده بود، که با آغاز عملیات در هلمند عساکر خود را غرض جلوگیری از نفوذ طالبان در بلوچستان، در سرحدات جابه جا میکند، اما اکنون مشکل مالی میان دو کشور مذکور ایجاد شده، پاکستان در این مساله صادق نموده و میخواهد با استفاده از این گونه نیرنگها کمک بیشتر مالی حاصل نماید. وحید مزده عملیات هلمند را موفق ندانسته و خلاف نظر برخی کارشناسان، نا آرامی های شمال افغانستان را با این عملیات مرتبط نمیداند.

وی میگوید که طالبان ماه ها قبل با نشر اعلامیه ها از راه اندازی فعالیت های نظامی در شمال افغانستان در سال روان خبر داده بودند و حتی یک تعداد افراد خود را منحیث مسوول در بعضی ساحات شمال معرفی نموده بودند. وحید مزده اضافه کرده میگوید:

افغانها از قبل این موضوع را میدانستند و اظهار میکردند، که مورد توجه جهانیان قرار نمیگرفت، اما اکنون همه پی برده اند، که کلید مشکلات در کجاست و پاکستان نباید برف بام خود را بالای بام دیگران بیاندازد و همچنان جامعه جهانی و امریکا بجای مدارا با آن کشور فشار بیشتر را وارد سازند، تا صادقانه در مبارزه علیه تروریزم گام بردارد. ■

آرزو های مردم بدون شک...



میگردند، از همه کس اعتماد شان را بریده اند. از زبان هر هموطن به استثنای اشخاص، افراد و دوستان شخصی کاندیداها گفته میشود، اگر من رأی بدهم و یانه، کسی درین پست انتخاب و یا تعیین خواهد شد.

با در نظر داشت تذکار فوق که گفته آمدیم انتظار می رود تا مردم اگر بتوانند شخصیت های محترمی که خود ها را کاندیدای پست ریاست جمهوری نموده اند، با اعتماد سازی مجدد مردم را در روند مسوولیت پذیری برای اشتراک در انتخاب رئیس جمهور آینده ترغیب نمایند، تا از بی تفاوتی و دل سردی موجود که هر کدام (بسه من چی بگویند) کاسته شود. ثانیاً ایجاب مینماید، تا لقمه نانی که از کمک های خارجی و یا عواید داخلی بدست می آید، عادلانه توزیع نمایند، تا دیگر مردم رهبران سیاسی شان را به دیده شک و تردید ننگرند. ■

شک شریفانه و معقول است، پایه پای مردم حرکت کرده در برطرف ساختن مشکلات مردم یکی بی دیگر اقدام لازم نماید، هیچگاهی چنین نشده است.

این بار هم تعدادی از شخصیت ها بار دیگر روی بازار سیاست چنه میزنند و مردم را تشویق و ترغیب می نمایند، تا هنگام رأی دهی، رأی شان را به نفع آنان بریزند.

با توجه به سالهای پیشین که هیچکس، هیچ نظام و هیچ حکومت به خواست های معقول شان پاسخ مثبت نداده است، همه افراد و اشخاص ارکان ثلاثه در امتیاز گیری مقام اول و در خدمت گزاری در صف اخیر و حتی ناکام بوده اند. بعید به نظر میرسد تا مردم با شور و شعفی که در گذشته ها در کارزار سیاسی سهم می گرفتند، این بار هم مکلفیت و مسوولیت خویش را ادا نمایند.

مردم به همه کس به دیده شک و تردید

شرکت مخابراتی روشن با برنامه...

شرکت مخابراتی روشن دعوی را در لوی خرنوالی و همین گونه در اداره (اترا) وزارت مخابرات و تکنالوجی معلوماتی به راه انداخته ایم که دوسیه نسبتی ما علیه شرکت روشن در اداره اترا در حال جریان است.

بعید از امکان نیست که شرکت مخابراتی روشن به محکمه بین المللی به خاطر تقلب کاری ها و فریب کاری هایش معرفی گردد و این شرکت لغو گردد. ■

شرکت روشن و برنامه های آن بود. متأسفانه که این برنامه کاملاً دروغ بوده و برای فریب مردم و مشتریان روشن و اختلاس پول مردم به شکل غیر مستقیم، ارائه شده بود.

باید تذکار داد که چون تعداد کثیری از مشتریان روشن از این طریق فریب خورده اند، ما به خاطر اعاده حقوق تلف شده کسانی که فریب خورده اند و هم اعاده حقوق ضایع شده خود ما، بالای مسوولان

توضیح مطلب این است که، شرکت مخابراتی روشن به ماسبت سال نو مسابقه ذهنی را زیر نام نوروز را با روشن تجلیل کنید و برنده کربلا شوید، راه اندازی نمود.

این مسابقه طوری بود که مشتری به جواب سوال های که در برنامه روشن اشتراک میکرد جواب ارائه مینمود، البته این سوال ها راجع به مسایل ادبی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیا و معلومات راجع به

مشکلات اجتماعی مردم

اینجا ثریا، خاتم غلام بحیی قادری هستم. شوهرم در زمان طالبان که در دواخانه کار می کرد از طرف طالبان مورد شکنجه قرار گرفت و ناگزیر کشور را در

سال ۱۳۷۹ ترک کرد و از طریق کشور پاکستان به کشور انگلستان در سال ۲۰۰۲ رفته و آنجا پناهنده شده است که یک پای آن نیز معیوب میباشد. از همان زمان تا کنون در خانه های کرایبی با سیار مشکلات حیات به سر

می برم. برادر شوهرم که قبلاً همراهی ما همکاری میکرد شش ماه قبل در راه لوگر شهید شد. اکنون مشکلات ما بسیار زیاد است، خواهش مندیم جامعه مدنی و یا دولت انگلستان در مورد ما یاری رساند. ■

صاحب امتیاز: انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان

رئیس انجمن: حیات الله «بخشی» ۰۷۹۹۳۱۳۸۲

مدیر مسوول: مصطفی «عمرزی» ۰۷۹۹۸۸۴۲۶۵ mustafa_omarzai@yahoo.com

- زیر نظر گروه دبیران به چاپ میرسد.
- آراء و اندیشه ها به نویسنده مطلب تعلق دارد.
- مسوولیت نوشته ها به دوش نویسنده است.
- قلم در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مضامین وارده دوباره مترد نمی گردد.
- قلم از قلم به دست دعوت به همکاری مینماید.
- بهای یک شماره پنج افغانی
- دیزاین و چاپ: مطبعه طباعتی و صنعتی محسنی ۰۷۰۰ ۶۷۳۳۴

QALAM

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**